

# کنکور پدیده‌ای به نفع پولدارها

**تهمن برومند**

**پیش‌آهنگ:** سال‌ها پیش، ۱۵، ۱۶ سال پیش، به رسم بچه‌زنگ‌های مدرسه‌ای، با افتخار (مثلا) توانمندی خود را در دروس پیچیده ریاضی، فیزیک و شیمی در بوق و کرنا می‌کردیم و به هرچه دروس عمومی ادبیات، عربی، زبان و… بود فحش می‌دادیم. آرزوی دیرین داشتیم که این کنکور لعنتی دست از سر ما بردارد یا حداقل دروس عمومی را بردارند. به چه درد کسی می‌خورد؟

بچه بودیم و خام و نادان. واقعا نادان. به معنای کلمه نادان!

**برده اول:** اوایل دههٔ ۸۰ خورشیدی، برای اولین بار، با تصمیم یا مداخله رسمی و همکاری چندین نهاد دولتی در ایران (مجلس و مشخصا مرکز پژوهش‌ها، وزارت علوم و مشخصا سازمان سنجش) در پویشی علمی و با برگزاری همایشی در اصفهان، تشکیک در کلیت برگزاری آزمون سراسری کنکور به‌عنوان ورودی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور رسمیت پیدا کرد.

از خروجی‌های این پویش‌ها، دو مقاله/گزارش/طرح عملیاتی تحت عنوان بررسی‌نظام پذیرش دانشجو در ایران و ارائه الگوی مناسب اثر قلی‌پور، شجاعی و شکوهی و همچنین آسیب‌شناسی کنکور و بررسی امکان حذف آن در نظام پذیرش دانشجو نوشته سبحانی و شهیدی بود. برخی از نکات اشاره‌شده در این آثار، قابل تأمل است؛ برای نمونه این برداشت از رشته‌های علوم پایه و ادبیات:

«اگر راه‌های دست‌یابی به موقعیت‌های برتر اجتماعی و تحرک طبقاتی متنوع‌تر شوند، می‌توان احتمال داد اصولا آمار داوطلب ورود به دانشگاه به معنی آموزشی کاهش می‌یابد. مثلا اگر جوانی بداند با ورود به هنرستان یا یک مرکز آموزش فنی‌وحرفه‌ای راه استخدام او در یک کارخانه یا مزرعه فراهم‌تر از این است که مثلا لیسانس «ریاضی یا ادبیات» بگیرد، مطمئنا راه اول را انتخاب می‌کند…» (سبحانی، ۱۳۸۶).

روی‌هم‌رفته ایده جاقفاده از چنین پویشی را می‌توان در ویژگی‌های زیر خلاصه کرد:

- جداسازی فرایند سنجش از پذیرش دانشجو
- مبنا قراردادن نمرات دروس اختصاصی و عمومی دانش‌آموزان دوره متوسطه در پذیرش دانشجو
- درنظرگرفتن زمینه‌های خلاقیت، کارآفرینی، ابداع و کارهای علمی دانش‌آموزان

۴. استفاده از آزمون‌های تشریحی در سنجش (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۸۴).

حاصل اما با هم بشماریم، ۸۱، ۸۲، ۸۳… حتی حوصله من هم سر رفت، تا ۱۱۴۰۰ سال، پاس‌کاری مداوم بین مصوبه‌های غیراجرائی مجلس، شورای عالی انقلاب فرهنگی و سازمان سنجش. اما کنکور ۱۴۰۱ همچنان به شکل سابق برگزار خواهد شد.

**میان‌پرده:** سال ۱۳۸۸ و واقعا بر حسب اتفاق و نه چیز دیگری، وارد دانشگاه صنعتی امیرکبیر شدم. طبق یک قرارداد کلامی نانو‌شسته و بعدها طبق رده‌بندی ارائه‌شده از دانشگاه‌های کشور، در دسته‌بندی دانشگاه‌های فنی و مهندسی، سه دانشگاه صنعتی شریف، صنعتی امیرکبیر و مجموعه پردیس فنی دانشگاه تهران با فاصله بهترین دانشگاه‌های کشور محسوب می‌شوند (که البته از بنده کمترین با سابقهٔ تحصیلات و پژوهش و پیاده‌سازی در آموزش و آموزش عالی بشنوید که هر سه دانشگاه مشکلی و مسئله زیاد دارند). مواجهه اجتماعی من در این سه دانشگاه، کلونی‌های دوستی از پیش جاقفاده بود؛ کلونی‌ها مربوط به چند دبیرستان و ارتباطات بین آن دبیرستان‌ها بود. خبری از آن کلوگونی قومی و تفاوت‌ها و نخبگان گوشه و کنار ایران نبود. رفقای ایران چند دبیرستان حالا معدود کنار هم در فضای بزرگ‌تری بودند. سؤال می‌پریدم، از خودم البته! اینجا چرا همه همدیگر را می‌شناسند؟!

**برده دوم:**بر اساس گزارش متاخر و البته بسیار با تأخیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، به اعتراف عاملی، کنکور پدیده‌ای به نفع پولدارهاست. البته این نتیجه‌گیری حتی حاصل رصد عدلیه و علمیه ناهادهای سیاست‌گذاری آموزشی من‌جمله خود شورای عالی انقلاب فرهنگی نیست؛ چراکه نتایج بازتاب‌شده، حاصل کارهای پیشین پژوهشگران مستقلی بوده است که سال‌ها این مطلب را بیان و در سکوت رسانه‌ای سرکوب شده‌اند. علی‌میزایی و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه تأثیر افتراقی تمول استانی بر سختی سوالات ماده ریاضی در کنکور، نشان داد پول بیشتر، سوالات آسان‌تری را برای داوطلبان به همراه دارد. این به آن معناست که امکانات

مادی در ایران و در ساختار آزمون کنکور، مستقیما چیزی جز سیطره ثروتمندان در اشغال تمام فرصت‌های تحصیلی نیست، پایان‌نامه اینجانب در فاصله سال‌های ۹۳ تا ۹۷ نشان داد طبق خوداظهاری، بالای ۷۵ درصد از دانشگاهیان مشغول به تحصیل در پنج دانشگاه برتر کشور در میان تمام زیرگروه‌های تحصیلی در ایران از دهک‌های بالای درآمدی هستند. علاوه بر این، ۷۶ درصد این افراد از مدارس خاص ۶۵ درصدشان هویتی محفلی (حتی در دانشگاه) از آن مدارس می‌گیرند. جدا از پیچیدگی‌های تناظرهای موجود در چنین تحلیلی، به زبان ساده این را باید گفت: سفرهای از بچه پولدارهای بانفوذ طبقه متوسط و پولدار پهن است، دور هم درس می‌خوانند. از دبیرستان تا دانشگاه! (و بله، حتی خود من هم عضوی از همین خوان گسترده‌ام).

با گسترش انواع رسانه‌های در دسترس جوانان، انواع مختلفی از امکانات بین این افراد توسعه پیدا کرد. یکی از چیزهایی که به این واسطه در بین سال‌های اوایل دهه ۹۰ تا همین سال‌ها دیده‌ام، تاکید دانشجویان جوان سال پایینی من به سندرومی به اسم OGD در نمودهای بیماری‌هایی با ریشه افسردگی بود. نکته جالب، نوعی افتخار نهفته در اعلان این موضوع به صورت کلامی یا به واسطه توضیحات خودنوشته در بایو شبکه‌های اجتماعی بود. من با اجتماع‌های فشرده‌ای در دانشگاه‌های امیرکبیر و تهران مواجه بودم که اکثرا از مدارس مشترکی (شامل سمپادهای مختلف در کشور و مدارس خصوصی بنام در تهران) آمده بودند و همگی در بروز برخی رفتارهای وسواس‌گونه هم‌داستان و مقتدر بودند!

**برده سوم:** هرساله، نزدیک به کنکور، سنت اهل رسانه، مصاحبه با روان‌شناسان و روان‌پزشکانی است که از بدی‌های استرس‌آور کنکور بنالند و راهکارهای مقابله با اضطراب بدهند؛ اما موضوع کمی جدی‌تر از این حرف‌هاست. براساس آمار پایگاه داده بین‌المللی ourworldindata ایران (و با توجه به جمعیت نسبتا جوان آن) دارای بیشترین سرانه ابتلا به بیماری‌های با پایه افسردگی است. این مطلب را در کنار این واقعیت قرار دهم که معتمدی (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای نشان داد میزان افسردگی و نشانه‌های دیدارگون آن در سه بازه زمانی عدم مواجهه با کنکور، در زمان کنکور و حتی پس از آن تفاوت معناداری دارد. دانش‌آموزان پس از مواجهه با کنکور و حتی پس از پشت سر گذاشتن آن، افت شدیدی در شاخص‌های سلامت چشم و روان، خصوصا افسردگی را تجربه می‌کنند. حالا در نظر بگیرید که همچنان این فرضیه و حدس اولیبه علمی برای من بعد از حصول دانش در نظریه‌های اجتماعی و روانی تقویت شده و افرادی با نارسایی‌های OCD یا حتی ADD و بیشینه ADHD که همگی سندروم یا بروز افسردگی‌های حاد هستند، امکان موفقیت در کنکور را بیش از دیگران دارند. این حقیقت تلخ را نیز اضافه کنیم که براساس گزارش تخصصی «تعیین ابعاد گزکارگردهای کنکور؛ بازخوانی مستندات» که به سفارش مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی کشور در وزارت علوم بازنمایی شده است، کنکور در هر دو سال، حداقل یک قربانی نوجوان زیر ۱۸ سال از بابت خودکشی خودخواسته به بهانه کنکور داشته است. و این موضوع چیزی جز سخن سعدی علیه‌رحمه را به یاد نمی‌آورد «تن آدمی شریف است به جان آدمیت!» از جان پرپرشده چند نوجوان چه چیزی اهمیت بیشتری می‌تواند داشته باشد؟

**میان‌برده:** چندین سال است که در ایران، به اشتباه و با سرفاکندگی و اعتراف به این فرهنگ کلامی زشت، تحلیل‌های آبدکی و گفته‌های دون استناد و سطحی در تحلیل‌های درون تالیسی می‌نایم. مجددا با پوزش از رانندگان تاکسی، اما تحلیل‌های کنکوری از قبیل سهمیه‌های فلان و بهمان جلوی پیشرفت‌مان را گرفته‌اند، در دانشگاه‌های آمریکا هر کسی دلش بخواهد وارد دانشگاه می‌شود، آنجا یک قیف برعکس است، در کجای دنیا ادبیات و زبان امتحان می‌گیرند و… همگی تحلیل‌های آبدکی‌ای هستند که بررسی عمیق و داده‌محور را پس پرده آزمونسی با این اهمیت، با این گستردگی و مقوله‌ای با این پیچیدگی را غیرممکن می‌کند. نظام آموزش عالی، از پیچیده‌ترین سیستم‌ها و از تاثیرگذارترین پدیده‌ها در زندگی یک شخص به حساب می‌آید. قطعا راه‌حل‌های این چنینی نباید در آن کارآمد باشد.

**برده آخر:** مرکز پژوهش‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری در گزارش تخصصی خود در سال ۱۳۹۸ با یک بررسی اجمالی از وضعیت کنکور در ایران، به همراه ارائه راهکارهای شفاهی به نکات عجیب‌وغریبی اشاره کرده است.

برای نمونه، در بخشی از این گزارش به‌عنوان راهکار آمده است «استفاده از

تجربیات جهانی مانند مؤسسه خدمات سنجش آموزشی ETS (سازمان سنجش آمریکا!) حالا در نظر بگیرید ایالات متحده آمریکا نه پذیرش کشوری و سراسری در آموزش عالی دارد، نه عمده امتحان‌های برگزارشده از سوی این سازمان تماما خصوصی(!) که شامل آزمون‌های تافل و GRE است، برای پذیرش دانشجویان بومی کاربردی دارد و همان دو آزمون تافل و جی‌آرای هم که صرفا شامل زبان (ادبیات و زبان انگلیسی) و ریاضیاتی بر پایه منطق محاسباتی ساده است (arithmetic). چه ترازوی بین این دو (سازمان سنجش در ایران و ETS) اصولا می‌توان برقرار کرد؟

در بخش دیگری مجددا آمده است که «برای مثال در آمریکا، کنکور وجود ندارد؛ ولی تست‌های استاندارد برای ورود به دانشگاه وجود دارد. فرد پس از دیپلم (؟) آزمون SAT را می‌دهد و چنانچه حد نصاب لازم را کسب کند، شرط اول را برای ورود به دانشگاه دارد و بعد دانشگاه‌ها براساس انتظاری که از داوطلبان در رشته‌های مختلف پزشکی، مهندسی، علوم انسانی و… دارند، از داوطلب می‌خواهند که تست‌های استاندارد را پشت سر بگذارند. این تست‌ها در روز معین و مشخصی نیست و می‌تواند چند بار در سال تکرار شود».

بیاید یک بار به‌عنوان نمونه، به جز فرایندهای ایلای دانشجویان برون‌مرزی آمریکا که دیگر بر اکثریت واضح شده که از این دست خبرها در روند پذیرش دانشجو نیست، روند پذیره‌نویسی در دو دانشگاه برتر آمریکا در مقطع کارشناسی را بررسی کنیم.

**دانشگاه هاروارد:** نمرات دوره متوسطه – توصیه‌نامه استادان دبیرستانی – نمره امتحان‌های استانداردساز (مثل همین SAT و ACT) – مدارک کمکی (مثل جوایز، گواهی‌نامه، اثر هنری و…)

**دانشگاه MIT:**اطلاعات شناسایی – جستارهای علمی، مقاله و فعالیت‌های فوق برنامه – کارنامه دوره متوسطه – توصیه‌نامه استادان – نمرات آزمون‌های استانداردساز – مصاحبه شفاهی – کارنامه خلاقیت.

پس ما با برداشت‌های رسمی‌اما در این حد اشتباه و کج طرفیم، مسئله اما راهکارهاست. راهکارهایی که از پس این برداشت‌ها آمده‌اند و متأسفانه شوخی‌شوخی در حال جدی شدن هستند. به عنوان نمونه، آورده‌اند «برگزاری کنکور در ۲ تا ۳ نوبت در سال که باعث کاهش اضطراب و استرس می‌شود»؛ شما فرض کنید زیرساخت‌های آموزشی یکسان، ظرفیت یکسان، نظام رتبه‌بندی و سنجش دانشگاه‌های کشور یکسان، آن وقت بدون درک از تفاوت آزمون‌های استانداردساز (که نمونه‌های خارجی ناپرده از جمله آنهاست) و آزمون‌های افتراقی (که کنکور برای پذیرش دانشگاهی متأسفانه از جمله آنهاست) راهکاری ارائه کنیم که حداقل مواجهه استرس‌آمیز داوطلب را با کنکور دو برابر کند و از سوی دیگر نتایج هر آزمون میزان داوطلب واجد شرایط برای ظرفیت زیرساختی ثابت در کشور را مجددا حداقل دو برابر کند!

**پس آهنگ:** چندسالگی از همان اولین مواجهه خام من با کنکور گذشته است. حالا زمین و زمان آن‌قدر خرج خورده است که به لطف فلسفه‌ف‌زبان ویتگنشتاین و



عکس: مهنا سبین نجفی، باشگاه خبرنگاران جوان

کوشش‌های زبان‌شناسانه اجتماعی لا‌بوف و بوردیو، می‌دانم زبان و ادبیات نقش مقدم بر اندیشه و بنابراین نقش مقدم بر ساختن واقعیت دنیای بیرون (در واقع ساختن و نظم‌دادن بر درک ما از جریان زندگی بیرون از خود) دارد. حالا می‌دانم این زبان و گفتمان رسمی است که برای همگان توجیه و تصدیق است. می‌دانم که حتی اگر عدد و رقم گواه چیزی خلافِ درکِ رسمیِ جمعی ما از واقعیت باشد، همچنان باور بر همان گفتمان رسمی است.

شورای عالی انقلاب فرهنگی در دو بخش از مفاد جزئی اصلاحیه قانون سنجش و پذیرش آورده‌اند کنکور از فلان تاریخ سالی دو بار برگزار شده و نتایج آن تا دو سال معتبر باشد. این همان است که مرکز بررسی‌های ریاست‌جمهوری گفت. و این همان است که از ETS کپی‌برداری شده؛ با همه آن تناقضاتی که عرض شد.

جایی دیگر گفته‌اند دروس عمومی از آزمون حذف شده و فقط دروس اختصاصی مرتبطه در آزمون کنکور مورد سنجش قرار خواهند گرفت؟ این را چنانچه پیش‌تر آوردم با تکیه بر آزمون‌هایی نظیر SAT گفته‌اند. حال آنکه خود SAT آزمون‌های تخصصی در موضوعات محض ریاضی و فیزیک را معلق کرده است و دقیقا با تشریح کتبی و رسمی بیان کرده‌اند صرفا به سنجش ادبیات و درک مطلب زبانی و ریاضیات در حد پایه حساب اکتفا می‌کنند. چرا؟ چون پایه منطق و ملزومات درک علمی هستند!

گواه این عدم هماهنگی سختی تصنعی کنکور سراسری ایران به عنوان آزمون افتراقی است که میانگین دروس اختصاصی آن زیر ۷ درصد و میانگین دروس عمومی آن زیر ۲۱ درصد است؛ در حالی که برای آزمون SAT مشابه میانگین کل نمره بین ۶۰ تا صفر درصد است (برومند، ۱۳۹۸).

حالا پرسش من این است: آیا برداشت‌های کژ ما رسمی از یک نظام آموزشی سرمایه‌دارانه و امپریالیستی در حالی که حتی از نظر امکانات زیرساختی و سخت‌افزاری هیچ شباهتی با طراحی نظام آموزشی ایران که بر مبنای آموزش عالی مجانی و توسعه عدالت‌محور آموزشی بوده است، به نظر از پیش شکست‌خورده نمی‌آید؟ آیا با بیش از پنج هزار معدل ۲۰ در هسر زیرگروه، این روش‌ها، محافل انحصاری مدارس خاص را بر هم خواهد زد؟ یا افزایش تعداد آزمون کنکور، چاپ کتاب‌های کم‌ارزش کمک آموزشی کنکوری و رونق امتحان‌های آزمایشی کم خواهد شد؟ اهمال ما در علوم انسانی چطور؟ حذف به‌اصطلاح دروس «عمومی» با آن چه خواهد کرد؟

پاسخ بنده کمترین بعد از چندین سال تخصیص پژوهش مستمر درباره کنکور و آموزش عالی این است: ما پیش از هر چیزی نیاز به تعیین یک فلسفه آموزش برای کل کشور و طراحی نظام یکپارچه آموزش براساس آن داریم. سنجش نتیجه منطقی طراحی درست نظام آموزش خواهد بود. ضرورت تعلیق کنکور به‌عنوان یک سازوکار اشتباه سنجش و پذیرش به جای خود و در اولویت. اما راهکار واقعی و متناسب هم در جای خود و اولویت!

منابع در روزنامه موجود است

استفاده کنند. تاکنون حدود ۲۰۰ مقاله به دبیرخانه همایش رسیده که این موضوع، بیاگر استقبال خوب جامعه علمی و دانشگاهی کشور از این رویداد است. امید داریم کیفیت مقالات ارسالی در سطح بسیار بالایی واقع شوند. ان‌شاءالله از طریق مقالات برتر و سایر مقالات علمی واصله، سطح دانش جامعه مهندسی ایمنی و آتش‌نشانی ارتقا یابد. دبیر اجرایی همایش به نمایشگاه جانبی همایش نیز اشاره کرد و گفت: پیگیری‌ها و حمایت‌هایی که در سازمان پیرو دستور مقام معظم رهبری درخصوص حمایت از تولید داخل داشتیم، در این سال‌ها بالای ۹۵ درصد تجهیزات ایمنی و آتش‌نشانی در کشور با کیفیت حتی بهتر از برندهای خارجی تولید می‌شود. قیمت‌ها به‌شدت کاهش پیدا کرده و در بسیاری از موارد به یک‌سوم رسیده است. البته شاید از نظر کمیت تجهیزات به تولید انبوه نرسیده‌ایم، اما اولویت‌مان در فهرست زنجیره تأمین سازمان آتش‌نشانی، همیشه با تجهیزات تولید داخل، استاندارد و با عملکرد است و امیدواریم روزی برسد که نیاز به تولیدات خارجی نداشته باشیم. در نمایشگاه، در کنار بحث‌های علمی، شاهد عرضه محصولات شرکت‌هایی که در این سال‌ها زحمت کشیدند، هستیم و اکنون وظیفه ماست که از آنها حمایت کنیم تا به‌طور شایسته دیده شوند؛ چون در این همایش خیلی از

و ایمنی شهری، ۱۸ کارگاه تخصصی در محورهایی که اشاره شده است، برگزار خواهد شد. همچنین زیرمجموعه‌هایی برای هر پنل در نظر گرفته شده است. سعی شده زیرمجموعه‌ها را متناسب با موضوعات حوزه‌های عملیات، آموزش و آموزش‌های شهروندی انتخاب کرده و علاقه‌مندان که مخاطب این همایش محسوب می‌شوند، اعم از دانشجویان، دانشگاهیان و متخصصان ساخت‌وساز و متخصصان نظام مهندسی و شهرسازی و آتش‌نشانی‌های کشور می‌توانند از موضوعات مطرح‌شده

**مدارک فارق‌التحصیلی اینجانب فراز علی‌مهر به شماره ملی ۱۳۱۰۶۹۶۸۳۱ در مقطع کارشناسی عمران و کارشناسی ارشد عمران سازه صادره از دانشگاه آزاد لنجان مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدارک را به دانشگاه آزاد واحد لنجان ارسال نماید.**

**برگ سبز خودروبرپاید ۱۳۲ رنگ نوک مدادای متالیک مدل ۱۳۸۷ به شماره پلاک ایران ۴۴-۹۹۵ و شماره موتور ۲۶۵۲۱۹۶ و شماره شاسی S۱422287039898 به نام **سمیه علی مددی** مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می باشد.**

**کارت خودرونولوگان L90 رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۵ به شماره پلاک ایران ۳۳\_۹۵۷ و شماره موتور K4MA690-R127144 و شماره شاسی NAPLSRALDG1259468 به نام **حمید مراد گرمی** مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می باشد.**

**برگ سبز و سند کمپانی خودروپژو۲۰۶ رنگ خاکستری متالیک مدل ۱۳۸۷ به شماره پلاک ایران ۴۴-۶۹۲ ل ۷۶ و شماره موتور ۱۳۵۸۶۰۰۵۸۲۸ و شماره شاسی۲۱۷۹۰۲۱۷۹ به نام **ازاده میرزایی** مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می باشد.**

**کارت خودرو کیا CERATO رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۵ به شماره پلاک ایران ۲۰-۷۲۹ و ۷۵۵ شماره موتورG4KDFH556698 و شماره شاسی NAS621200G101421 به نام **مهرداد کریمی** مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می باشد.**